

علت‌شناسی بزه‌دیدگی زنان در شبکه‌های اجتماعی؛ مطالعه‌ی موردی

شبکه‌ی اجتماعی فیس‌بوک

محمدعلی حاجی ده‌آبادی^۱ و احسان سلیمی^{۲*}

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۲۵ صص ۱۴۲-۱۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۶/۱۲

چکیده

در آغاز هزاره‌ی سوم، بزهکاری و بزه‌دیدگی سایبری به‌عنوان یکی از جدی‌ترین چالش‌های دستگاه عدالت کیفری مطرح شده است. مطالعات بزه‌دیده‌شناسی در بستر سایبر، نشان می‌دهد که زنان، از جمله «آسیب‌پذیرترین اقشار» در فضای مجازی هستند. آنچه بر نگرانی‌ها می‌افزاید این است که با پیدایش و رواج شبکه‌های اجتماعی، به‌صورت تصاعدی بر رشد بزه‌دیدگی زنان افزوده شده است. مقابله با بزه‌دیدگی زنان در شبکه‌های اجتماعی، درگرو علت‌شناسی دقیق مسئله و اتخاذ تدابیر مناسب برای مقابله و حذف عوامل جرم‌زا است. این پژوهش با روش کیفی و با ابزار مصاحبه و مشاهده، به شناسایی بخشی از علل و عوامل بزه‌دیدگی زنان در یکی از شبکه‌های اجتماعی پرمخاطب در ایران (فیس‌بوک) پرداخته است. جامعه‌ی آماری تحقیق شامل ۱۲ کاربر زن که مکرراً در شبکه‌ی اجتماعی مذکور، مورد بزه واقع شده‌اند، می‌باشد. برای افزایش روایی تحقیق، برآیندهای به دست آمده از مصاحبه در شش پروفایل آزمایشی در شبکه‌ی فیس‌بوک، مورد راستی‌آزمایی قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سبک زندگی و نحوه‌ی تعاملات و انتخاب‌های یک کاربر زن و فشار اجتماع بر او با میزان بزه‌دیدگی وی ارتباط دارد. همچنین جایگاه اجتماعی کاربران زن، رابطه‌ی معنادار و معکوسی با بزه‌دیده شدن آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی دارد.

واژه‌های کلیدی: بزه‌دیده مقصر، فیس‌بوک، جرم سایبری، عمومی‌شدن بزهکاری، زنانه شدن بزه-دیدگی.

^۱ - دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم، قم، ایران.

^۲ - دانشجوی حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه قم، قم، ایران.

*- نویسنده مسئول مقاله: e.salimi@stu.qom.ac.ir

مقدمه

در سال‌های اخیر، انفجار فناوری اطلاعات^۱، کمتر عرصه‌ای از حیات بشری را بدون تغییر رها کرده است. تأثیر این فناوری در ابعاد مختلف زندگی بشر آن‌چنان گسترده است که بعید نیست در آینده بسان پیدایش خط، تاریخ تمدن بشر به دوره‌ی پیش از پیدایش فناوری اطلاعات و پس از پیدایش آن تفکیک شود. نفوذ فناوری اطلاعات و ارتباطات و نقش آن در زندگی امروز به حدی است که می‌توان با کنار هم چیدن کلیدواژه‌های مندرج در جست‌وجوگرها نیم‌رخ^۲ از شخصیت کاربر که نشانگر عادات، علایق، سلیق، وضعیت سلامتی و نیازهای شخصی اوست، ترسیم نمود. به این ترتیب، سایه‌روشن مجازی رفته‌رفته رنگ باخته و حقیقت این فضا پررنگ و پررنگ‌تر می‌شود تا آنجا که گاه از آن به واقعیت (Amelia, 2011) و گاه از نمودهایی از آن به فراواقعیت^۳ (Mokhtari & Malek ahmadi, 2017) تعبیر می‌شود. این بدان معناست که برخلاف گمان رایج، رفتارهای شهروندان فضای سایبر^۴، در این فضا تمام نمی‌شود و آثار بسیاری از رفتارهای فضای مجازی، به محیط واقعی کشیده می‌شود و بسیاری از رفتارهای محیط واقعی بر فضای مجازی تأثیرگذار است. یکی از محیط‌های سایبر که جامعه‌ی ایرانی اقبال گسترده‌ای به آن نشان داد، شبکه‌های اجتماعی مجازی است.^۵ در شبکه‌های اجتماعی، کاربران بعد از ساخت صفحه‌ی کاربری یا پروفایل، د با استفاده از قابلیت‌های چندرسانه‌ای و با بارگذاری عکس، متن و محتوا، علاقه‌مندی‌های خود را به اشتراک می‌گذارند. ویژگی متمایز این شبکه‌ها نسبت به سایر محیط‌ها در فضای مجازی، امکان پیوستگی و حفظ یک ارتباط در زمان، ولو با عدم رضایت طرف مقابل است. چیزی که در اتاق‌های چت و یا وب‌سایت‌ها امکان‌پذیر نیست؛ چه آن‌که در چت روم‌ها، مخاطبان پیوسته عوض می‌شوند و با عدم تمایل کاربر برای ادامه‌ی ارتباط، هیچ آدرس ثابتی برای ارتباط بعدی از او در دسترس نیست؛ در وب‌سایت‌ها هم ارتباط به‌صورت یک‌سویه دنبال می‌شود. وجه ممیزه‌ی دیگر شبکه‌های اجتماعی این است که در شبکه‌های اجتماعی، گروه‌هایی از افراد که شخص با هر یک از

^۱ The explosion of information technology-
^۲ Profile-

^۳ - برای مطالعه‌ی بیشتر در زمینه‌ی فضای سایبر، رسانه و فراواقعیت ر. ک. به:

Mokhtari, Maryam & malek ahmadi, hakimeh, (2017) Pornography and hyper-reality, Culture strategy, vol.38.

^۴ - اصطلاح شهروندان فضای سایبر (Netizen) در مقابل سیتیزن (Citizen) در راستای القای مفهوم «جامعه» برای فضای مجازی، وضع شده است.

^۵ - بنا بر داده‌های موسسه‌ی بین‌المللی «آمار دنیای اینترنت» ۵ تا تاریخ ۳۰ ژوئن ۲۰۱۷، بیش از ۱۷ میلیون نفر در شبکه‌ی اجتماعی فیس‌بوک^۵ که در ایران دسترسی به آن توسط کمیته‌ی تعیین مصادیق محتوای مجرمانه مسدود شده است، عضویت دارند. همچنین تعداد اعضای شبکه‌ی اجتماعی تلگرام پیش از مسدودسازی آن، بیش از ۴۵ میلیون نفر برآورد شده است

آن‌ها به واسطه‌ی یک جنبه‌ی خاص ارتباط یافته، یکجا با او مرتبط گشته و به دوستان دیگر او معرفی می‌شوند؛ برای مثال همکاران یک شخص با اقوام و بستگان و با دوستان صمیمی‌اش جملگی با هم مرتبط می‌شوند و تعاملات گسترده و گاه ناخواسته‌ای بین کاربران به وجود می‌آید. ویژگی سوم این شبکه‌ها، پویایی ارتباطات شبکه‌ای است که با ویژگی سرعت انتقال اطلاعات در این فضا تقارن یافته و امکان مهار صدمات و شایعات را سلب نموده است.

وجود فرصت‌های بزهکاری و نیز فقدان موانع فیزیکی جهان واقعی، «انگیزش یافتگی»^۱ برای ارتکاب جرم را در بسیاری از بزه‌کاران بالقوه و بالفعل فضای مجازی بالا برده است؛ تا آنجا که حتی بسیاری از شهروندان متعارف فضای سایبر را به ارتکاب جرم برمی‌انگیزد و به باور برخی (Haji deh, 2017) پدیده‌ی «عمومی شدن بزهکاری در فضای سایبر»^۲ محقق شده است. به تبع این موضوع، گونه‌های بزه علیه زنان در پارادایم مجازی نیز عمومیت یافته است و ادعای «زنانه شدن بزه دیدگی در فضای سایبر»^۳ مقرون به صحت است تا جایی که گفته می‌شود، برای بزه‌کارانی که به دنبال سوءاستفاده‌های جنسی از زنان هستند، فضاهای مجازی نظیر «شبکه‌های اجتماعی» که قابلیت حضور آنلاین و دسترسی مکرر به بزه‌دیده در آن‌ها وجود دارد، جایگزین تفریحگاه‌ها شده است. (Mackim, 2006) برخی از ویژگی‌ها و قابلیت‌های این شبکه‌ها باعث شده که «عضویت غیرآگاهانه»^۴ در آن‌ها به ویژه برای زنان، خالی از مخاطره نباشد. در حال حاضر در ایران، بیشترین بزه‌دیدگی زنان در فضای سایبر، در جرایم منافی عفت از طریق شبکه‌های اجتماعی صورت می‌گیرد. مطابق با آمار پلیس فتا در سال ۹۵ بیش از ۸۸ درصد از پرونده‌های حوزه اخلاقی و جرایم منافی عفت به انواع اپلیکیشن‌های OTT^۵ اختصاص داشت (kordealivand, Mohammadi, 2017).

توجه به بزه‌دیدگی زنان و پژوهش در این باب، علاوه بر گستره و کثرت بزه‌دیدگی زنان در فضای سایبر، از منظر «سیاست جنایی» نیز توجیه‌پذیر است؛ چه آن‌که غالباً در جرایم علیه زنان، احتمال ارتکاب جرایم دیگری در جهت «انتقام یا اخفای بزهکاری» به مراتب بالاتر است. همچنین آثار و نتایج بزه‌دیدگی زنان و مردان نیز تفاوت قابل توجهی دارد؛ بزه‌دیدگی سایبری مردان، عموماً بر خسارت و زیان اقتصادی تمرکز دارد؛ در حالی که معمولاً «جنس بزه‌دیدگی زنان» از نوع عاطفی - حیثیتی است و مستقیم آبروی آنان را نشانه می‌گیرد. علاوه بر این، از حیث روان‌شناختی، «طاقَتِ تحقیر برخط»^۶ در بزه‌دیده زن به مراتب پایین‌تر از بزه‌دیده مرد است و وی را با مخاطرات

1- Motivating

2- Generalization of cybercrime

3- Feminization victimization On cyberspace

4- Unconscious membership

5- over the top application

6- online Tolerance threshold

غیر قابل جبران مواجه می‌سازد. با این حال، مقابله‌ی مؤثر با بزه‌دیدگی در فضای مجازی، به ویژه در شبکه‌های اجتماعی، با همه پیچیدگی‌های خاص خود، در گرو علت‌شناسی دقیق مسئله است؛ چرا که علت‌شناسی و تشخیص عوامل دخیل و مؤثر در هر مسئله، گام نخست برای حل آن است. وقتی علت‌شناسی یک موضوع ارزشمند و مفید است که به‌گونه‌ای روشمند، مبتنی بر نظریات و رهیافت‌های علمی دنبال شود. هدف از تحقیق حاضر، شناسایی بخشی از علل و عوامل وقوع جرم، علیه زنان در فضای مجازی، به ویژه شبکه‌های اجتماعی، به‌منظور کنترل جرم و پیشگیری پایدار از جرم است. نوشتار حاضر درصدد است، با استخدام نظریات جرم‌شناختی، علل و عوامل بزه‌دیدگی زنان در فضای مجازی را شناسایی نماید. به همین منظور، یک نظریه‌ی معتبر دانش جرم‌شناسی را که به نظریه‌ی «سبک زندگی» معروف هستند، برای تحلیل مسئله به کار گرفته است. این نظریه که ذیل «نظریات بزه‌دیدگی» جای می‌گیرد، محور تحلیل خود را بزه‌دیده و رفتارهای او قرار می‌دهد.

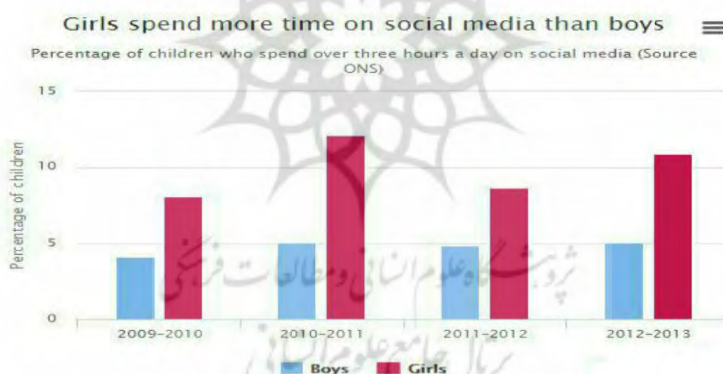
پیشینه‌ی پژوهش

پژوهش‌های صورت گرفته در ایران در زمینه علت‌شناسی بزه‌دیدگی زنان در فضای مجازی، بسیار اندک و ناکافی است. آنچه که ضرورت تحقیق و اکتفا نکردن به ادبیات پژوهشی ترجمه‌ای در این زمینه را توجیه می‌کند، اول، پویایی جرم سایبری است که روزآمد بودن پژوهش‌ها را می‌طلبد و دیگر مهم‌تر این‌که، پژوهش‌های ترجمه‌ای و اقتباسی به جهت اختلافات اساسی با مبانی فرهنگی-اجتماعی کشور ما کارآمدی لازم را ندارند؛ زیرا بزه دیدگی سایبری زنان، در اکثر جوامع غربی، قبح کمتری نسبت به بزه دیدگی در جامعه‌ی ایران اسلامی دارد. به این ترتیب در حوزه‌ی موضوع حاضر، پژوهش‌های اندکی را می‌توان به عنوان پیشینه‌ی مرتبط معرفی نمود. در یک پژوهش (Broadhurst & Jayawardena, 2001) با عنوان «شبکه‌های اجتماعی آنلاین و شاهد بازی»، این نتیجه به‌دست آمد که قوی‌ترین متغیر در میزان بزه‌دیدگی کاربران شبکه‌های اجتماعی، نوع عکس یا ایمیل آن‌ها است. در یک مطالعه‌ی میدانی (Shick Choi, 2011) با عنوان «فعالیت‌های روزمره‌ی سایبری؛ بررسی تجربی سبک زندگی اینترنتی» موضوع بزه‌دیدگی کاربران، فارغ از جنسیت ایشان، در دستور کار قرار گرفت. نتایج این مطالعه به این ترتیب است که اولاً، افرادی که سبک زندگی بر خط رایانه محور خود را جدی نمی‌گیرند، به احتمال بیشتری قربانی جرایم سایبری خواهند بود. ثانیاً، نتایج نشان می‌دهد که برخی الگوهای سبک زندگی، به‌طور مستقیم، با قربانی شدن در فضای سایبری ارتباط دارند. ثالثاً نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که وجود امنیت رایانه‌ای، مهم‌ترین عنصر حفاظت‌کننده از فرد در مقابل جرایم سایبری است. همین نتایج توسط مک کود (McQuade, 2006) ارائه شد و بیان داشت که «نظریه‌ی فعالیت‌های روزمره،

نتایج مهمی برای شناخت جرایم رایانه و سایر ابزارهای فناوری اطلاعات و سیستم‌های اطلاعاتی و پیشگیری از آن‌ها دارد.» جوان جعفری و شاهیده (Javanjafari & Shahideh, 2013)، در یک تحقیق با عنوان «نقش زنان بزه‌دیده در ارتکاب جرایم جنسی؛ با تکیه بر قوانین و مقررات کیفری و رویه قضایی ایران» بیان می‌کنند، رفتار و گفتار تحریک‌کننده و اغواء کننده و بی‌احتیاطی‌های زنان ممکن است زمینه‌ی مناسبی را برای ارتکاب جرایم جنسی علیه آنان فراهم آورد. افزون بر این، آنان به عنوان آماج‌های جرم، نقش تعیین‌کننده‌ای در گذر از اندیشه به عمل مجرمانه و فعلیت یافتن اندیشه‌ی مجرمانه ایفاء می‌کنند. دربندی فراهانی، (Darbandi farahani, 2012) در پژوهشی با عنوان «رویکرد بزه‌دیده‌شناسی به جرایم سایبری»، برخی نظریات بزه‌دیدگی را با جرایم سایبری مورد کنکاش قرار داده است. تحقیق مذکور، بدون راستی آزمایی یافته‌های جرم‌شناسی درصد تعمیم آن‌ها به جرایم سایبری است. این تحقیق، مسائل مختلفی را در بزه‌دیده شدن یک کاربر دخیل می‌داند و بخشی از علل را در گرو عملکرد و تعاملات کاربر معرفی می‌نماید. ابوذری، (Aboozari, 2016)، در پژوهشی با عنوان جرم‌شناسی جرایم سایبری، به علت شناسی جرایم سایبری از رهگذر چند نظریه‌ی جرم‌شناختی پرداخته است. جملگی این نظریه‌ها، از زوایای گوناگون درصد تحلیل علت‌شناختی جرم سایبری هستند برخی از این نظریه‌ها از منظر زیستی، روانی، اخلاقی و اجتماعی، موضوع را پی گرفته‌اند. در این پژوهش، ذیل مبحث نظریه‌های عقلانی، مرور مختصری به نظریه‌های بزه‌دیدگی شده است؛ لکن این پژوهش هم علاوه بر اختصار، به سنجش رهیافت‌های جرم‌شناسی با بزه‌دیدگی کاربران ایرانی پرداخته است. زرخ، (Zar rok,2010) در یک پژوهش کلی با عنوان «بزه‌دیده‌شناسی سایبری»، با طرح دو نظریه‌ی بزه-دیدگی، درصد تبیین علت‌شناختی بزه‌دیدگی سایبری و نقش بزه‌دیده در رخداد بزه سایبری بر آمده است. وی غالب بزه‌دیده‌های سایبری را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، دخیل در بزه‌دیده شدن دانسته است. این پژوهش که مقدم بر دیگر تحقیقات مرتبط است و غالباً به عنوان یکی از منابع این مدخل در پژوهش‌های آتی مورد استفاده قرار گرفته، علاوه بر آنکه روزآمد نیست، به اثبات آماری مطالب مطرح شده نپرداخته و موضوع را به‌صورت عام و کلی در فضای مجازی دنبال کرده و جنسیت خاصی را مورد تدقیق قرار نداده است. به غیر از موارد پیش‌گفته، پژوهشی که در همین راستا موضوع را دنبال کرده باشد، دیده نشد؛ لکن پژوهش‌های دیگری هم در خصوص موضوعات مرتبط و نزدیک به موضوع این پژوهش وجود دارند که برای رعایت اختصار، از پرداختن به آن‌ها صرف‌نظر می‌شود.

بزه‌دیدگی زنان در شبکه‌های اجتماعی

در حدود نیمی از کاربران فضای مجازی زن هستند. کاربرد فضای مجازی برای زنان به دلایل مختلف و از جمله داشتن وقت بیشتر برای استفاده از آن و به فراخور ویژگی‌های زیستی- روانی قدری متفاوت از کاربرد آن برای مردان است. در یک پژوهش پس از انجام مصاحبه با ۳۰ نفر از زنان مورد مطالعه، عوامل متعددی در خصوص انگیزه‌ی استفاده از فضای مجازی به‌دست آمد. با تحلیل داده‌های پژوهش، ۹ مورد خاص استخراج شدند که عبارتند از: ارتباط آسان و بی‌وقفه با دوستان و آشنایان، امکان کسب خبرها، امکان حضور هم‌زمان در گروه‌های گوناگون، ابزاری برای به روز بودن، آگاهی از مطالب آموزنده و مفید، موفقیت بیشتر در تربیت فرزندان، آشنایی با طرز تفکر دیگران، توسعه‌ی دایره‌ی تعاملات افراد و کم‌هزینه بودن (kafashi, 2015) آمارها، گویای این واقعیت است که در کشورهای اروپایی، دختران دو برابر پسران از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند و شمار دخترانی که روزانه بیش از سه ساعت از وقت خود را در شبکه‌های اجتماعی می‌گذرانند، به‌صورت میانگین، تقریباً دو برابر تعداد پسران با وضعیت مشابه است (Frith, 2017).



نمودار ۱- نسبت پسران و دخترانی که بیش از ۳ ساعت در روز از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند.

مطالعاتی^۱ چند بر روی استفاده‌ی جوانان از اینترنت، به این نتیجه رسیدند که تعداد فزاینده‌ای از دختران، درحالی‌که از روش‌های ارتباط به‌وسیله‌ی رایانه استفاده می‌کنند، قربانی مظاهر جنسی

^۱- Karmen, A. (2007) & Mitchell, K. Finkelhor, D. & Wolak. J. (2007) & Mustaine, E. And Tewksbury, R. (1998) & Van Wilsem, J. (2011) & Yucedal, B. (2010)

بزرگسالان می‌شوند. همچنین برخی از پژوهش‌ها^۱ به این نتیجه رسیده‌اند که اغلب دختران جوان در اینترنت، بدون مواجه شدن با ارتباط مزاحم گونه‌ی ناخوانده از سوی سایر کاربران، قادر به شرکت در فعالیت‌های برخط نیستند و مطابق با آمار جامعی که مؤسسه‌ی «تلاش برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های برخط» منتشر نموده است، در سال ۲۰۱۰، حدود ۷۳ درصد بزه‌دیدگان فضای سایبر، زن و ۲۷ درصد مرد بوده‌اند (Halder, 2010). در جامعه‌ی ایرانی هم مطابق آمار پلیس فتا^۲، تنها ۱۰ درصد بزه‌کاران سایبری زن هستند؛ این درحالی است که در جرایم منافی عفت، غلبه‌ی بزه‌دیدگی با زنان است (Abouzari, 2016). ارتکاب جرم علیه زنان و ایجاد مزاحمت برای آنان در شبکه‌های اجتماعی محدود به موارد خاصی نیست؛ لکن می‌توان تمام انواع بزه‌دیدگی زنان در این شبکه‌ها را در چند مورد عام «آزار سایبری»، «تحریف نگاری»، «تجاوز به حریم خصوصی» خلاصه نمود.

الف) آزار سایبری

اذیت و آزار سایبری در شبکه‌های اجتماعی به شیوه‌های مختلفی انجام می‌شود؛ گذاشتن پیام‌هایی بر روی صفحه‌ی بزه‌دیده به صورت مکرر، ارسال مداوم درخواست برای رابطه‌ی دوستی، ارسال دائمی پیام‌های ابراز مخالفت با بزه‌دیده و مواردی از این دست مصادیق جرم آزار سایبری محسوب می‌شوند (Willard, 2007). بدکلامی توسط گروهی از مزاحمان سایبری برای بیان نفرت علیه زنان نیز، گونه دیگری از عنوان مزاحمت سایبری است؛ این گونه از مزاحمت را به عنوان حمله‌ی سایبری اوباش گونه، توصیف کرده‌اند (Citron, 2009). بنا بر آمار موجود در میان جرایم سایبری، توهین و آزار سایبری بیشترین شیوع را دارند (Williams, 2012). در ادامه به برخی از مصادیق آزار زنان در شبکه‌های اجتماعی اشاره می‌شود:

شایعه‌پراکنی سایبری^۳: به ارسال شایعات تحقیرآمیز یا شرمسار کننده درباره قربانی در چت-روم، گروه‌های خبری یا تابلوهای اعلانات اینترنتی اشاره دارد (McFarlane, 2003). رایج‌ترین شکل تهمت و هتک حیثیت سایبری، ارسال کنایه‌های جنسی کذب درباره‌ی قربانی است (Petrocelli,

^۱ - مطالعات زیر، به صورت مستقیم و غیرمستقیم، تئوری عمومی شدن بزه در فضای سایبر را اثبات می‌کنند: Mitchell, K. Finkelhor, D. & Wolak. J. (2007) & Mustaine, E. And Tewksbury, R. (1998) & Van Wilsem, J. (2011)

^۲ - آمار مذکور مربوط به سال ۹۰ تا ۹۱ است.

^۳ - Cyber defamation

(2005) گاه این شایعات به جهت شیوع بالا و انتشار در میان طیف زیادی از دوستان بزه‌دیده، موجب انزوا یا ترک گروه‌های مشترک با آنان می‌گردد.

ناسزاگویی سایبری^۱: در این روش، فرد مزاحم، ممکن است به طور دائم هدف خود را در شبکه‌های اجتماعی، هم بر روی صفحه‌ی او، هم در بین گروهی که عضو آن است، مورد تحقیر و زورگویی قرار دهد (Langos, 2013). این نوع بزهکاری ممکن است شامل ارسال مداوم پیام‌های متنی به صفحه‌ی صاحب پروفایل و یا سایر مکان‌ها شود.

مسدودسازی کاربر^۲: در یک گروه یا جمعیت که برای اجازه دادن به افراد برای بیان عقاید شخصی‌شان، ساخته شده است و عموماً در یک گروه یا جمعیتی که غالب آن‌ها اشتراکاتی از حیث جنسیت، مذهب و عقیده و... دارند اعضاء گروه ممکن است فرد خاصی را با ممنوع ساختن او به خاطر عقاید یا وضعیت خاصش، بزه‌دیده سازند.

(ب) تحریف نگاری سایبری

تحریف‌نگاری به معنای دگرگون کردن محتوای داده‌های دیگری است. این رفتار در حوزه‌ی جرایم مرتبط با محتوا است؛ از همین روی با جعل رایانه‌ای یا تحریف متفاوت است (Aalipour, 2011). تحریف نگاری، بیش از هر مزاحمت دیگری آبروی بزه‌دیده را مخدوش می‌سازد و جنبه عمومی بیشتری نسبت به دیگر انواع مزاحمت دارد.

قلب تصاویر^۳: مصداق بارز این نوع از بزه‌دیدگی، شامل مورفینگ می‌شود. در این مورد، تصاویر کاربر شبکه‌ی اجتماعی از آلبوم‌های شخصی وی گرفته می‌شود، سپس به استثنای قسمتی از عکس مانند سر و صورت که معرف آن شخص خاص باشد بقیه عکس مورد تغییر و دست‌کاری قرار می‌گیرد. مورفینگ یا تحریف نگاری به چند صورت نمود می‌یابد: گاهی دگرگونی در محتوای دیگری به‌گونه‌ای است که به حالت استهجان یا ابتذال درمی‌آید. گاهی دگرگونی، سبب هتک حیثیت می‌شود که در اینجا با بررسی عرف، بزه شناسایی می‌شود. علاوه بر این هرزگی سایبری می‌تواند به وسیله‌ی هک کردن پروفایل کاربر زن، عملی گردد بدین صورت که ابتدا فرد مزاحم، پروفایل را هک می‌کند، سپس تصویر اصلی را تغییر می‌دهد و روی صفحه‌ی پروفایل زن، قرار می‌-

^۱- Cyber verbal abuse

^۲- Banning

^۳- Morphing

دهد و پس از آن، از نام و اطلاعات و نیز تصویر تغییر یافته استفاده می‌کند تا برای دوستان او، هم‌چنین مخاطبان گسترده‌تری، پیام‌های مستهجن بفرستد (Sanders, 2010).

هماندسازی^۱: در این نوع از بزه‌کاری، بزه‌کاران پروفایل همانندسازی شده، یا تقلبی از بزه‌دیده را با استفاده از سرقت اطلاعات شخصی کاربر ایجاد می‌کنند. سپس پروفایل همانندسازی شده از دوستان کاربر اصلی می‌خواهد تا با او دوست شوند و بدین گونه برخلاف مواردی که تنها از اطلاعات عضو اصلی برای اهداف پلید استفاده می‌شود، در این مورد یک گام فراتر در بزه‌دیده‌سازی به وسیله‌ی ایجاد شکاف در حریم خصوصی سایر کاربران نیز برداشته می‌شود.

متأسفانه امروزه کاربران زن بیشتر شبکه‌های اجتماعی محبوب و با دامنه بالای آزادی عمل، مانند فیس‌بوک^۲، مای اسپیس و ارکات، غالباً با این مشکل روبرو می‌شوند؛ لکن این مشکل در شبکه‌های اجتماعی تلفن محور، مانند واتس آپ و تلگرام کمتر دیده می‌شود. چالش‌های فراروی هویت در فضای مجازی، مدیریت آن را ضروری ساخته است. اهمیت هویت و عناصر هویتی در شبکه‌های اجتماعی موجب شده تا پدیده‌ای به نام سرقت هویت در این فضا از موضوعیت زیادی برخوردار شود و اشکال مختلفی به خود بگیرد.

ج) تجاوز به حریم خصوصی

حفاظت از حریم خصوصی در فضای سیال مجازی بسته به تدابیر ایمنی که کاربر توان استفاده از آن‌ها را دارد، ممکن است قوی‌تر یا ضعیف‌تر از فضای واقعی باشد، گاه کاربر به آخرین ابزارهای رمزنگاری مجهز است و توان استفاده از آن‌ها را دارد؛ اما در اغلب موارد کاربران، به‌ویژه نوجوانان، سواد رسانه‌ای بالایی در این زمینه ندارند و با تشکیل یک صفحه در شبکه‌های اجتماعی، حریم خصوصی آنان با تهدید مواجه می‌شود.

دسترسی غیرمجاز^۳: دسترسی غیرمجاز عبارت است از رخنه‌ی غیرقانونی به سامانه‌ی رایانه‌ای حفاظت شده که گاه در زبان فنی به آن هک یا رخنه‌گری گفته می‌شود؛ ممکن است ثمره‌ی نامطلوب هک، مسدود کردن یک کاربر و ممنوع ساختن او از بیان دیدگاه‌هایش یا قرار دادن دیدگاه و نظری مخالف نظر فرد بزه‌دیده توسط شخص هکر باشد که خود مزاحمتی مضاعف برای او به شمار می‌رود. نتیجه‌ی نامطلوب دیگری که عمل مجرمانه دسترسی غیرمجاز برای بزه‌دیده زن می‌تواند داشته باشد، افشا و انتشار محتویات حریم خصوصی بزه‌دیده توسط بزه‌کار است. مرتکبان این

^۱- Cloning.

^۲- Facebook

^۳- Hacking

جرم، با انگیزه‌های مختلف مبادرت به انتشار یا در دسترس قرار دادن فیلم، تصویر یا صدای اشخاص در فضای سایبر می‌نمایند. در این شیوه، اهداف خاصی برگزیده می‌شوند و پروفایل آن‌ها هک می‌شود. اطلاعات شخصی آن‌ها برای اهداف پلید مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ و در این صورت امکان هرگونه سوءاستفاده از اطلاعات شخصی بزه‌دیده وجود دارد.

تعقیب ایدئائی سایبری^۱: استالکینگ یا تعقیب ایدئائی سایبری به وضعیتی اطلاق می‌شود که یک کاربر در تمام گروه‌هایی که به آن‌ها پیوسته، مخفیانه تعقیب شده و صفحات دوستانش به امید دیدن پست‌های او، نوشته‌های شخصی او فعالیت‌های آنلاین او، پیوسته زیر نظر باشد. حتی برخی مزاحمان سایبری به منظور تعقیب و اطلاع یافتن از فعالیت‌های روزانه و محل‌های رفت و آمد بزه دیدگان، کارآگاه خصوصی استخدام می‌کنند (Bocij, 2003).

مبنای نظری تحقیق؛ نظریه‌ی سبک زندگی

علی‌رغم افزایش روز افزون شمار انحرافات و جرایم سایبری، اطلاعات چندانی درباره‌ی علل و عوامل تئوریک این جرایم وجود ندارد و حتی برای متخصصان امر، مجهولات و نقاط ابهام فراوانی در خصوص دلایل بزهکاری و بزه‌دیدی وجود دارد (Holtfreter, 2008). یکی از بهترین شیوه‌ها برای غلبه بر این جهل و شناخت علل جرم در فضای سایبر، استمداد از دانش جرم‌شناسی باعرضه‌ی بزه، بزهکار و بزه‌دیده سایبری به نظریات کلاسیک جرم‌شناسی است. به فراخور موضوع این تحقیق، استخدام نظریات بزه‌دیدی، گزینه‌ی مناسبی برای واکاوی علل بزه‌دیدی سایبری هستند. در دانش جرم‌شناسی، نظریات بزه‌دیدی به نظریاتی گفته می‌شود که پدیده‌ی جرم را از منظر بزه‌دیده و رفتارهای او تحلیل می‌کنند. دو نظریه‌ی اصلی این دسته از نظریات، شامل «نظریه‌ی فعالیت روزمره»^۲ و «نظریه‌ی سبک زندگی»^۳ می‌شود. با بررسی نظریه‌های مذکور، آشکار می‌شود که این دو نظریه، گفتمانی مقبوض و مبسوط از مفاهیمی هم‌سنخ هستند که در این تحقیق برای رعایت اختصار به تعمق و تطبیق نظریه‌ی سبک زندگی با بزه‌دیدی زنان در شبکه‌های اجتماعی بسنده می‌شود.

نظریه‌ی «سبک زندگی» که به گاتفردسون^۴ و هیندلانگ^۵ منسوب است؛ تبیین می‌کند، هر قدر قدر یک فرد شیوه‌ی زندگی فعال‌تری داشته باشد؛ یعنی فعالیت‌های شغلی، تفریحی و اوقات فراغت

۱- Cyber stalking

۲- The routine activity Theory

۳- The life style theory

۴- Gottfredson

۵- Michael Hindelang

او بیشتر باشد، احتمال بزه‌دیده شدن او بیشتر است؛ همچنین هرچقدر یک فرد با افراد بزه‌کار و محیط‌های مجرمانه یا محیط‌های خطرناک یا در زمان‌های خطرناک ارتباط بیشتری برقرار کند، احتمال بزه‌دیدگی خود را افزایش داده است. ادعای اصلی نظریه این است که سبک‌های گوناگون زندگی افراد، آن‌ها را در نزدیکی بیشتر بزه‌کاران قرار می‌دهد، پس آن‌ها خود بر احتمال بزه‌دیدگی‌شان می‌افزایند. به این ترتیب می‌توان ابراز داشت، بزه‌دیدگی رویدادی کاملاً تصادفی نیست؛ بلکه رویدادی با الگوپذیری و تا حد قابل توجهی قابل پیش‌بینی است. به نظر هیندلانگ و همکارانش، سبک‌های متفاوت زندگی تحت تأثیر سه عنصر اصلی «فشار اجتماع بر فرد»، «جایگاه اجتماعی فرد» و «انتخاب‌های افراد» قرار دارند (Hindelang, 1978). «فشار اجتماع بر فرد» عنصر مهمی در این نظریه است؛ نقش‌های اجتماعی افراد در جامعه بر طبق انتظارات دیگران اجرا می‌شود. افراد جامعه بر اساس انتظارات اجتماع، روش اداره‌ی زندگی خود را انتخاب کرده و سبک زندگی‌شان را هرچه بیشتر یا کمتر به سمت بزه‌دیدگی هدایت می‌کنند. به بیان دیگر، انتظارات و مطالبات اجتماعی از هر فردی بسته به وضعیتش، از جهات مختلف، از جمله وضعیت تأهل، شغل، خانواده، نژاد، جنسیت و... متفاوت است و این موضوع منشاء اثر در سبک زندگی افراد می‌شود.^۱ «جایگاه فرد در ساختار اجتماعی»، دومین عنصر مهم این نظریه است؛ قطع نظر از مطالبات اجتماع از افراد، میزان درآمد، سطح سواد افراد، طبقه‌ی خانوادگی و جایگاه اجتماعی افراد در اجتماع و بسیاری از وضعیت‌ها و شرایط خاص زندگی افراد، در سبک زندگی آن‌ها مؤثر است. در نظرات هیندلانگ این مسئله که افراد وضعیت اقتصادی، اجتماعی و جمعیت‌شناختی متفاوتی دارند و متناسب با آن انتظارات اجتماعی و فشارهای ساختاری را می‌پذیرند، مسئله‌ای محوری است. این وضعیت بر نحوه‌ی انتخاب سبک زندگی افراد تأثیرگذار است (Hindelang, 1978). موقعیت اجتماعی بالاتر یک فرد، در میزان فشارهای ساختاری و در میزان برآورده کردن نیازهای اجتماعی مؤثر است. بدین ترتیب که موقعیت اجتماعی بالاتر، احتمال بزه‌دیدگی را کاهش می‌دهد. این کاهش احتمال بزه‌دیدگی ناشی از نوع فعالیت‌هایی که فرد انجام می‌دهد، یا محیط‌هایی که در آنجا رفت‌وآمد می‌کند، است. در واقع، افراد حسب جایگاه اجتماعی خود، سبک زندگی متفاوت و در نتیجه، میزان بزه‌دیدگی متفاوتی را تجربه می‌کنند. سومین عنصر تعیین‌کننده در سبک زندگی افراد، تأثیرگذاری عقل در تصمیم‌گیری‌ها و به عبارت دیگر، حق «انتخاب افراد» است. با همه‌ی اوضاع و احوال تعیین یافته و تحمیل‌شده، در نهایت این افراد هستند که انتخاب می‌کنند چگونه

^۱ - به نظر رینز، این‌که مجردها بیشتر وقت خود را در مکان‌های تفریحی سپری می‌کنند و متأهلان بیشتر وقت خود را در کنار خانواده می‌گذرانند، برخاسته از انتظارات نقش آن‌هاست (Reyns, 2010).

زندگی کنند و چگونه با دیگران تعامل برقرار کنند.^۱ با فعالیت‌هایی که یک شخص به عنوان سبک زندگی خود انتخاب می‌کند، در واقع سطح آشکارسازی خود را در برابر موقعیت‌ها و تعاملات تعیین می‌کند. در نهایت بر اساس نظر موستین و توکسبری (Mustaine, 1998) می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت در سبک زندگی، به تفاوت در میزان و نوع در معرض خطر بزه قرار گرفتن افراد منجر شود. خلاصه‌ی کلام آن که، تمرکز نظریه‌ی سبک زندگی بر وضعیت پیش‌جنایی است و سؤال کلیدی آن‌ها این است که بزه‌دیده چه ویژگی‌هایی داشته که موضوع و آماج جرم واقع شده است؟ این نظریه تبیین می‌کند که چگونه قربانی جرم، بر فرآیند بزه تأثیر می‌گذارد، مطابق با مبانی نظریه‌ی مذکور، جرم رخدادی تصادفی نبوده، بلکه بیشتر نتیجه‌ی رفتارها و تعاملات بزه‌دیده‌ی بالقوه است. ادعای اصلی نظریه‌ی سبک زندگی این است که برخی شیوه‌های زندگی، افراد را بیشتر در معرض بزه‌دیدگی قرار می‌دهند؛ پس این افراد بزه‌دیده هستند که با گزینش سبک خاصی از زندگی، بر احتمال بزه دیدگی خود می‌افزایند.

کاربست و پیاده‌سازی رهیافت‌های این نظریه، برای تبیین علل جرم سایبری به‌خوبی امکان‌پذیر است؛ با تمسک به رهیافت‌های این نظریه برای تحلیل موضوع این تحقیق، یعنی علت‌شناسی بزه-دیدگی زنان در شبکه‌های اجتماعی، اهداف این پژوهش به ترتیب عبارتند از:

هدف اول: تبیین نقش فشار اطرافیان زن بر بزه‌دیده شدن.

هدف دوم: تبیین نقش کاربران زن در بزه‌دیدگی خود.

هدف سوم: تبیین تأثیر موقعیت اجتماعی کاربر زن در بزه‌دیدگی.

ابزار و روش پژوهش

تحقیق حاضر، با روش کیفی و الگوی «مردم‌نگاری مجازی»^۲ است. در این تحقیق، با اهتمام به نقطه نظرات روش پژوهشی سادبک و به جهت برخی مسائل، از جمله عدم تمایل اکثر کاربران زن

^۱ - به نظر کارمن، ایجاد تعادل مناسب بین امنیت و خطر، در نهایت یک تصمیم و یک انتخاب فردی است (Karmen, 2007).

^۲ - در مدل مردم‌نگاری مجازی (Virtual ethnography) بدون حضور فیزیکی و رویارویی چهره به چهره محقق و پرسش‌شونده، اطلاعات با همکاری داوطلب به‌صورت آنلاین و از طریق فضای مجازی منتقل می‌گردد. این مدل در کنار مزایایی از قبیل ثبت و ضبط دیجیتالی، سهولت و کم‌هزینه بودن، کثرت جامعه آماری، بروز و بیان بدون شرم اطلاعات و... با چالش‌هایی هم مواجه است؛ چه آن که اینترنت فضایی گسترده و بدون مرز است و ساختار پیچیده، منتشر و چندوجهی آن تمرکز بر یک ابژه‌ی پژوهشی خاص و انتخاب بخشی از جمعیت، پژوهشگر را در معرض اتهام مصادره به مطلوب قرار می‌دهد. سادبک (۲۰۰۴) الگوی پژوهشی پیشنهاد داده است که تا حد زیادی درصدد رفع اشکالات مردم‌نگاری مجازی بر آمده است. وی مشاهده‌ی آنلاین، مصاحبه‌ی آنلاین یا آفلاین و تحلیل عمقی محتوا را به‌صورت تلفیقی پیشنهاد می‌کند و معتقد است به جای اعمال فرمول‌های تخصصی آماری و استنتاج نتیجه از داده‌های صرف،

از ارائه‌ی حضوری اطلاعات، مصاحبه‌ی آنلاین به عنوان ابزار اصلی و مشاهده به عنوان ابزار تکمیلی جمع آوری داده انتخاب گردید. به این ترتیب که با تشکیل یک گروه در شبکه‌ی اجتماعی فیس‌بوک^۱ در سال ۱۳۹۳، از کسانی که تجربه بزه‌دیده شدن در شبکه‌ی مذکور را داشتند، دعوت به همکاری به عمل آمد و نهایتاً دوازده کاربر مناسب برای جمع آوری داده‌ها شناخته شدند. با هر یک از این ۱۲ نفر که تجربه‌ی بزه‌دیدگی مستمر و مکرری در فضای شبکه‌ی اجتماعی فیس‌بوک داشتند، حداقل به مدت ۴۰ دقیقه مصاحبه‌ی عمیق به عمل آمد که فهرست موضوعات مورد بحث، برحسب مؤلفه‌های نظریه‌ی سبک زندگی طرح‌ریزی شد. همچنین برای افزایش روایی تحقیق و اطمینان از ارتباط نتایج به دست آمده با مسئله بزه‌دیدگی، ۶ صفحه‌ی مجازی با اسامی مستعار (باران، بهار، گلی، رها، مرجان و صدف) در شبکه‌ی اجتماعی فیس‌بوک به مدت ۲۸ روز ساخته شد و برآیند مصاحبه‌ها، از این طریق مورد سنجش و آزمایش قرار گرفت؛ به این ترتیب که صفحات به‌صورت دوه‌دو طوری طراحی شدند که فقط در یک مؤلفه با هم متفاوت باشند و کاملاً قابلیت مقایسه با یکدیگر را داشته باشند. به این ترتیب، در این صفحات «باران و بهار»، از جهت نوع محتواهای به اشتراک گذاشته شده و عکس پروفایل، صفحات «گلی و رها» از جهت سطح رضایت از زندگی و صفحات «مرجان و صدف» از جهت امکان دسترسی و پذیرش درخواست‌های دوستی با یکدیگر کاملاً متفاوت و از دیگر جهات کاملاً مشابه و قابل مقایسه بودند. پس از پیاده‌سازی داده‌های مستخرج از مصاحبه آنلاین و بررسی میزان بزه‌دیدگی در صفحات ساخته شده، نتایج تحقیق سامان‌دهی شد و به نگارش درآمد.

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان (بزه‌دیدگان مکرر)

ردیف	نام بزه‌دیده در شبکه اجتماعی	سن	جنسیت	وضعیت تأهل، تحصیل و اشتغال	سطح رضایت از اطرافیان
۱.	گلی	۱۶	زن	مجرد/ محصل/ بیکار	بالا
۲.	رها	۱۶	زن	مجرد/ محصل/ بیکار	متوسط

باید به ساده‌سازی فرآیند نتیجه‌گیری و پویاسازی آن اقدام نمود و تا آنجا که ممکن است، تحلیل کیفی عمیق داده‌ها در دستور کار قرار گیرد (Sadebeek, 2004).

^۱- آدرس اینترنتی صفحه‌ی این گروه با عنوان «بزه‌دیدگی زنان در فضای سایبر» که توسط نگارنده ایجاد شده، عبارت است از:

۳.	مریم	۲۵	زن	مجرد/ دیپلمه/ بیکار	متوسط
۴.	طیبه	۲۶	زن	مجرد/ دیپلمه/ بیکار	بالا
۵.	مژده	۱۸	زن	مجرد/ دیپلمه/بیکار	پایین
۶.	هستی	۱۸	زن	مجرد/دیپلمه/ بیکار	پایین
۷.	رؤیا	۲۴	زن	مجرد/ فوق دیپلم/بیکار	پایین
۸.	ناهید	۲۲	زن	مجرد/ دانشجو/ شغل پاره وقت	متوسط
۹.	مهین	۲۹	زن	مجرد/دانشجو/ شاغل	پایین
۱۰.	هما	۲۸	زن	متأهل/ دیپلمه/ بیکار	متوسط
۱۱.	رز آبی	۲۹	زن	مجرد/ دانشجو/ شاغل	پایین
۱۲.	فاطمه	۲۸	زن	متأهل/ دیپلمه/خانه‌دار	متوسط

یافته‌های تحقیق

هدف اول: تبیین نقش فشار اطرافیان بر بزه‌دیدگی کاربران زن

مقوله اصلی: فشار اطرافیان

زیرمقوله اول: نارضایتی بزه دیده از اطرافیان

سطح رضایت افراد از اطرافیان، یک فاکتور مهم در میزان بزه‌دیدگی است که ذیل مؤلفه‌ی فشار اجتماع، قابل ارزیابی است. در مصاحبه‌ی آنلاین مشخص شد که در میان ۱۲ کاربری که اعلام داشته‌اند، مکرراً مورد بزه قرار می‌گیرند، تنها دو کاربر (معادل ۱۷ درصد) از اطرافیان خود رضایت بالایی داشتند، در حالی که پنج نفر از ایشان (معادل ۴۲ درصد) میزان رضایت خود را در سطح متوسط اعلام داشتند و پنج نفر دیگر هم با بیانات مختلف اعلام کردند که رضایت چندانی از اطرافیان خود ندارند. حتی یک کاربر، حضور بالای خود در فیس‌بوک را به عدم رضایت از اطرافیان مرتبط دانست و اعلام داشت: «این که من صبح تا شب توی فیس‌بوک می‌چرخم یک دلایلش اینه که نمی‌تونم غرغر اطرافیانم رو تحمل کنم». کاربر دیگری در این رابطه گفت: «همه‌ی دخترا از اینکه توی فیس‌بوک آقا بالاسر ندارن خوشحالن». همین‌طور کاربر دیگری ابراز داشت: «کجا بهتر

از فضای مجازی که آگه تو رو نخوان نمی تونن» کاربر دیگری با بیان این مطلب که برخلاف دنیای واقعی، ما توی فضای مجازی محکوم به تحمل اطرافیانمون نیستیم، خودمون اونها رو انتخاب یا رد می کنیم».

در راستای آزمودن تأثیر اطلاع بزهکار از نارضایتی بزه‌دیده از اطرافیان خود بر بزه‌دیدگی، دو پروفایل به نام‌های «رها» و «گلی» که کلیه‌ی متغیرها اعم از عکس پروفایل، محتواهای بارگذاری شده، دوستان و گروه‌های عضو شده و... در این دو صفحه به صورت یکسان طراحی شد، تنها تفاوت این دو صفحه این بود که در صفحه‌ی ساخته شده به اسم «رها» چنین القا می‌شد که رها یک شخص مطلقه و تنها است و از اطرافیان خود و کم‌توجهی‌هایشان نسبت به خود گله مند است. در مدت ۲۸ روز، صفحه‌ی کاربری رها ۷ بار بیش از پروفایل گلی که اعلام رضایت از زندگی و اطرافیان خود داشت، در معرض مزاحمت و ارسال‌های مکرر پیام‌ها و درخواست‌های مزاحم گونه‌ی دوستی قرار گرفت.

زیر مقوله‌ی دوم: تأثیر دیگران مهم

علاوه بر این، مطالبه‌ی اجتماع بر بزه‌دیدگی از جهت «تأمین نظر اجتماع» در نحوه‌ی زیست مجازی و بارگذاری محتوا و... با بزه دیدگی ارتباط معناداری دارد. در مصاحبه‌ی به عمل آمده از ۱۲ کاربری که مکرراً مورد آزار یا جرم منافی عفت قرار داشتند، مشخص شد ۷ نفر معادل ۵۸ درصد از ایشان در انتخاب عکس پروفایل، نوع و محتوای کامنت‌ها، استیکرها، ویدئوها و عکس‌های به اشتراک گذاشته شده به سلیقه و خواست دوستان (فضای واقعی) خود توجه دارند و به نوعی تحت تأثیر نظر دوستان واقعی به بارگذاری مطالب می‌پردازند و ۳ نفر معادل ۲۵ درصد نیز اعلام نمودند که تلاش می‌کنند در بارگذاری مطالب، نظرات والدین یا خانواده‌ی خود را تأمین نمایند و دو نفر معادل ۱۷ درصد از کاربران هم به تأمین نظر دوستان مجازی نظر دارند. در میان کاربرانی که رضایت دوستان خود را دنبال می‌کردند، یک کاربر ابراز داشت: «شبکه اجتماعی اسمش با خودش باید محور کارهای هر کس توی این شبکه‌ها، اجتماع یعنی دوستان و دیگران باشه، آگه به خوشایند خانواده بخوایم توجه کنیم باید اسمشو بناریم شبکه‌ی خانوادگی!!!»

کاربر دیگری در این باره ابراز داشت: «توی شبکه‌های اجتماعی آدم نباید طوری رفتار کنه که از چشم دوستاش بیفته، باید کمی طعم با دوست‌ها دوست بودنو اینجا تجربه کنیم».

به این ترتیب، می‌توان گفت فشار اجتماع با بزه‌دیدگی، رابطه‌ی معناداری دارد؛ اما آنچه تعیین می‌کند که این رابطه، مستقیم یا معکوس باشد، «دیگران مهم» یک کاربر هستند، برحسب این که دیگران مهم یک کاربر چه کسانی هستند و از او چه توقعی دارند، میزان بزه‌دیدگی متغیر خواهد بود. اکثر بزه‌دیدگانی که مکرراً مورد بزه قرار داشتند، تحت تأثیر دوستان واقعی خود، صفحه‌ی

پروفایل خود را سامان داده‌اند و این موضوع حاکی از آن است که دوستان واقعی شخص بر بزه‌دیدگی او تأثیر بیشتری از خانواده و دوستان مجازی وی دارند.



نمودار ۱- تأثیر فشار اطرافیان بر بزه‌دیدگی

هدف دوم: تبیین نقش کاربران زن در بزه‌دیدگی خود

مقوله‌ی اصلی: نقش کاربران زن

زیر مقوله‌ی اول: عکس پروفایل

در میان بزه‌دیدگان شبکه‌های اجتماعی که مکرراً مورد بزه واقع می‌شوند، دسته‌ای از رفتارها و انتخاب‌ها، نظیر انتخاب عکس‌های شخصی یا عکس‌های دارای جذابیت برای بزه‌کاران جنسی به عنوان عکس پروفایل، عضویت در گروه‌های با محتواهای نامناسب از حیث اخلاقی و انتخاب گزینه‌ی امکان رؤیت صفحه‌ی شخصی برای غیر دوستان و عدم استفاده از گزینه‌ها و امکانات امنیتی^۱ به چشم می‌خورد که احتمال ارتباط بالای آن‌ها با بزه‌دیدگی وجود دارد. با مشاهده‌ی پروفایل ۱۲ کاربر با بزه‌دیدگی مکرر، مشخص شد که ۸ نفر، معادل ۶۷ درصد از آن‌ها، از عکس‌های شخصی خود به عنوان عکس پروفایل استفاده می‌نمودند و ۳ نفر، معادل ۲۵ درصد، نیز از عکس‌هایی که برای بزه‌کاران جرایم جنسی دارای جذابیت تشخیص داده می‌شد، استفاده کرده‌اند و تنها یک نفر از ایشان عکس پروفایل خود را از مناظر طبیعی انتخاب نموده بود.

در این میان، هنگامی که با بزه‌دیدگان در خصوص چرایی استفاده از عکس‌های شخصی و ارتباط این عکس‌ها با بزه‌دیدگی، پرسیده می‌شد، اکثر ایشان، گذاشتن عکس شخصی را به مثابه‌ی یک حق و حتی گاه یک تکلیف قلمداد می‌نمودند و منکر ارتباط عکس شخصی و بزه‌دیدگی بودند؛

^۱ - تحقیقات نشان می‌دهد معمولاً زنان اصول ایمنی کمتری را در این فضا رعایت می‌کنند (Herath, 2012).

این نگرش در بیان یکی از این افراد به وضوح دیده می‌شود: «فکر نمی‌کنم این کار (استفاده از عکس خود) یک کار غیرعادی باشه حتی به نظر من هر کس وظیفه داره خودش رو صادقانه با عکس خودش معرفی کنه، این خیلی بده که شما نتیجه بگیرید که عکس پروفایل من باعث بزه‌دیده شد من بوده». همان‌طور که بیان شد، یافته‌های این تحقیق نشان داد، کسانی که از عکس‌های شخصی به عنوان عکس پروفایل استفاده می‌کنند، بیش از دیگران در معرض بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند؛ اما همسو با نظر این کاربر، در این موارد نباید بزه‌دیدگی را معلول عمل بزه‌دیده دانست، بلکه رفتار بزه‌دیده در مواردی که عکسی از عکس‌های شخصی خود را که با هنجارهای جامعه‌ی ایرانی همخوانی دارد به عنوان عکس نمایه یا پروفایل انتخاب می‌کند، قابل دفاع است و بیش از این نمی‌توان بین این دو (انتخاب عکس مناسب به عنوان پروفایل و بزه‌دیدگی) پیوند برقرار نمود؛ الا آن که گفته شود صرفاً عدم انجام این رفتار می‌توانست بزه‌دیده را در ویتترین بزه‌کار مخفی نماید. این نگرش بینابین به رفتار بزه‌دیده باعث می‌شود که امکان ارشاد وی به انتخاب عکس‌های مناسب و موافق با هنجارهای اجتماعی که ارتباط مستقیمی با بزه‌دیدگی کاربر پیدا نکند، موجود باشد. چه آن که به تجربه ثابت شده است که فضای سایبر، بخشنامه‌های دستوری مطلقاً سالبه را نمی‌پذیرد.^۱

زیرمقوله‌ی دوم: عضویت در گروه‌ها

مشاهده‌ی صفحه‌ی شخصی بزه‌دیدگان نشان داد که بین عضویت در گروه‌های با محتوای نامناسب و میزان بزه‌دیدگی، ارتباط مستقیم و محکمی وجود دارد؛ به این ترتیب که ۹ نفر، معادل ۷۵ درصد از بزه‌دیدگان، در گروه‌های غیراخلاقی عضویت داشتند. در مصاحبه‌ی به عمل آمده با بزه‌دیدگان، اغلب بیان می‌داشتند که عضویت در یک گروه، مخاطره‌ای برای آن‌ها ندارد. به طور مثال یک کاربر ابراز داشت: «اعضای گروه که لولو نیستن از همین آدمای جامعه هستن که تازه دستشون به آدم نمی‌رسه». نگارندگان در یک بررسی جداگانه و با ساخت پروفایل‌های غیرواقعی و با حفظ تمام متغیرها، سعی در سنجش تأثیر این متغیرها داشتند که نتیجه‌ی حاصله، حکایت از ارتباط مستقیم این انتخاب‌ها یا رفتارها با بزه‌دیده شدن داشت؛ به این ترتیب که در مقایسه‌ی دو صفحه‌ی ساخته شده با نام‌های باران و بهار، صفحه‌ی باران که از جهات محتوای به اشتراک‌گذاری شده و عضویت در گروه‌های نامناسب و غیراخلاقی نسبت به صفحه‌ی بهار بی‌احتیاط

^۱ - نمونه‌ای از عدم کارآمدی بخشنامه‌های دستوری که به نظر کاربران توجه ندارد، فیلترینگ شبکه‌ی اجتماعی تلگرام و بی‌توجهی به مطالبات اجتماع بود که مطالعات آماری جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران حکایت از شکست نسبی این راهبرد دارد.

تلقی می‌شد، ۲۶ مرتبه بیش از صفحه‌ی بهار مورد رفتارهای مزاحم گونه، به‌ویژه توهین‌های جنسی قرار گرفت.

زیر مقوله‌ی سوم: تعامل با درخواست دوستی‌های ناشناس

تعامل بزه‌دیده با درخواست‌های دوستی کاربران ناشناس می‌تواند مبتنی بر اعتماد کور و پذیرش درخواست یا اعتماد محتاطانه و پذیرش درخواست پس از بررسی محتوای پروفایل شخص درخواست دهنده یا بی‌اعتمادی و عدم پذیرش درخواست باشد. در میان ۱۲ کاربری که اعلام نمودند مکرراً در شبکه‌های اجتماعی بزه‌دیده می‌شوند، ۵ نفر، معادل ۴۲ درصد اعلام داشتند که پس از بررسی درخواست دوستی، صفحه‌ی شخص درخواست دهنده را بررسی می‌نمایند و در صورت مصلحت، این درخواست را قبول می‌نمایند و ۷ نفر، معادل ۵۸ درصد نیز اعلام نمودند که درخواست‌های دوستی را در هر حال، پذیرش می‌کنند.

در مصاحبه‌ی به عمل آمده از این افراد در خصوص چرایی این مسئله، اکثراً دو دلیل را اعلام داشتند که می‌توان در بیان دو نفر از این افراد با نام‌های هستی و مهین به‌خوبی این دلایل را متوجه شد:

هستی: «فضای مجازی و مخصوصاً فیس‌بوک برای اینه که همه با هم باشن؛ اگر بخوایم اینجا هم بین افراد فرق بذاریم {و با بعضی دوست بشیم و با بعضی دوست نشیم} که نمیشه».

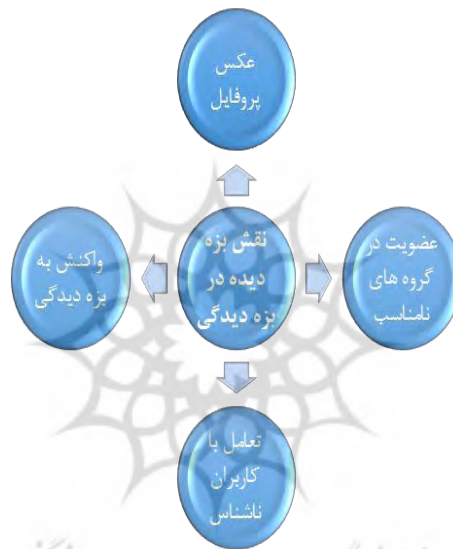
مهین: «برا من خیلی مهمه که تعداد دوستانم بالا باشه، حتی من میرم به غریبه‌ها پیشنهاد دوستی میدم حالا شما می‌پرسی که چرا پیشنهاد دوستیشون رو قبول می‌کنم!!!»

ارتباط بین پذیرش درخواست دوستی کاربران ناشناس و بزه‌دیدگی، از مقایسه بین میزان بزه-دیدگی صفحات مرجان و صدف مورد سنجش قرار گرفت. در صفحه‌ی کاربری مرجان که همه‌ی کاربران، امکان درخواست دوستی را داشتند و با همه‌ی این درخواست‌ها موافقت می‌شد، رفتارهای مزاحمت گونه، ۵ بار بیشتر از رفتارهای مشابه در خصوص صدف که فقط دوستان دوستان دوستی می‌توانستند به صدف درخواست دوستی بدهند، بود.

زیر مقوله‌ی چهارم: تعامل با رفتارهای مزاحم گونه

تعامل بزه‌دیده با رفتارهای اولیه مزاحمت گونه ممکن است به سه صورت پاسخ، سکوت و گزارش رفتار باشد که این نحوه‌ی تعامل با تکرار یا تعمیق بزه‌دیدگی مؤثر است. در میان این بزه-دیدگان مکرر، ۷ نفر، معادل ۵۸ درصد، اذعان نمودند که رفتارهای علیه خود را بدون پاسخ نمی‌گذارند، ۳ نفر، معادل ۲۵ درصد، اعلام نمودند که سکوت در مقابل رفتارهای مزاحم گونه را بهترین پاسخ می‌دانند و تنها دو نفر، معادل ۱۷ درصد، اعلام کردند که از ابزارهای حریم خصوصی،

مانند گزارش مزاحمت به فیس‌بوک استفاده می‌کنند. به این ترتیب، می‌توان بین تکرار مزاحمت علیه یک کاربر و نحوه‌ی تعامل وی با بزه، ارتباط برقرار نمود. نکته‌ی جالب توجه آن که هنگامی که از هفت نفری که به رفتارها و مزاحمت‌های بزهکاران پاسخ می‌دادند، پرسیده شد چرا به این رفتارها پاسخ می‌دهید و این که آیا فکر نمی‌کنید پاسخ به مزاحمان به مزاحمت بیشتر بینجامد، غالباً پاسخ می‌دادند که «اگر بزهکاران را بدون پاسخ بگذاریم، مجدداً رفتار مزاحمت را تکرار می‌کنند»؛ این در حالی است که علاوه بر تحقیق حاضر پژوهش‌های دیگر اثبات نموده‌اند که پاسخ بزه‌دیده به بزهکار در فضای سایبر، احتمال بزه‌دیدگی مجدد را افزایش می‌دهد (Marcum, 2011).



نمودار ۲- نقش بزه‌دیده در بزه‌دیدگی

هدف سوم: تبیین نقش موقعیت اجتماعی کاربر زن در بزه‌دیدگی

مقوله‌ی اصلی: تأثیر موقعیت اجتماعی

زیر مقوله‌ی اول: وضعیت تاهل

در اعتبار سنجی موضوع تاهل در خصوص میزان بزه‌دیدگی زنان در شبکه‌های اجتماعی و با این پیش فرض که تاهل نسبت به مجرد موقعیت اجتماعی بالاتر محسوب می‌شود، همسو با ادعاهای نظریه‌ی سبک زندگی مبنی بر ارتباط معکوس بین جایگاه اجتماعی افراد و میزان بزه‌دیده شدن ایشان نتایج آتی به دست آمد: از میان ۱۲ کاربری که اعلام نموده‌اند در شبکه‌ی اجتماعی فیس‌بوک مکرراً مورد بزه واقع می‌شوند، تنها دو نفر، معادل ۱۷ درصد، متأهل بوده‌اند و مابقی،

یعنی ۸۳ درصد، از این بزه‌دیدگان مکرر، مجرد بوده‌اند. این بدان معناست که سبک زندگی مجردی احتمال بزه‌دیده شدن بیشتری را در پی دارد.

زیر مقوله‌ی دوم: سطح تحصیلات

همسو با رهیافت‌های نظریات بزه‌دیدگی در این تحقیق مشخص شد که زنانی که دارای تحصیلات پایین تری هستند بیشتر در معرض بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند. در میان بزه‌دیدگان، زنانی که در این تحقیق همکاری نمودند، جملگی دانش آموز یا دانشجوی کارشناسی بودند و افراد با تحصیلات تکمیلی در میان ایشان وجود ندارد. همچنین مطابق با داده‌های اعلام شده از سوی پلیس فتا، تنها ده درصد از بزه‌دیدگان جرایم سایبری دارای تحصیلات تکمیلی بوده‌اند (Kordealivand, mohammadi, 2017). به این ترتیب باید اذعان داشت که مانند دنیای واقعی در فضای مجازی هم، موقعیت اجتماعی بالاتر کاربران زن، رقم بزه‌دیدگی پایین تری را به همراه دارد.

زیر مقوله‌ی سوم: وضعیت اشتغال

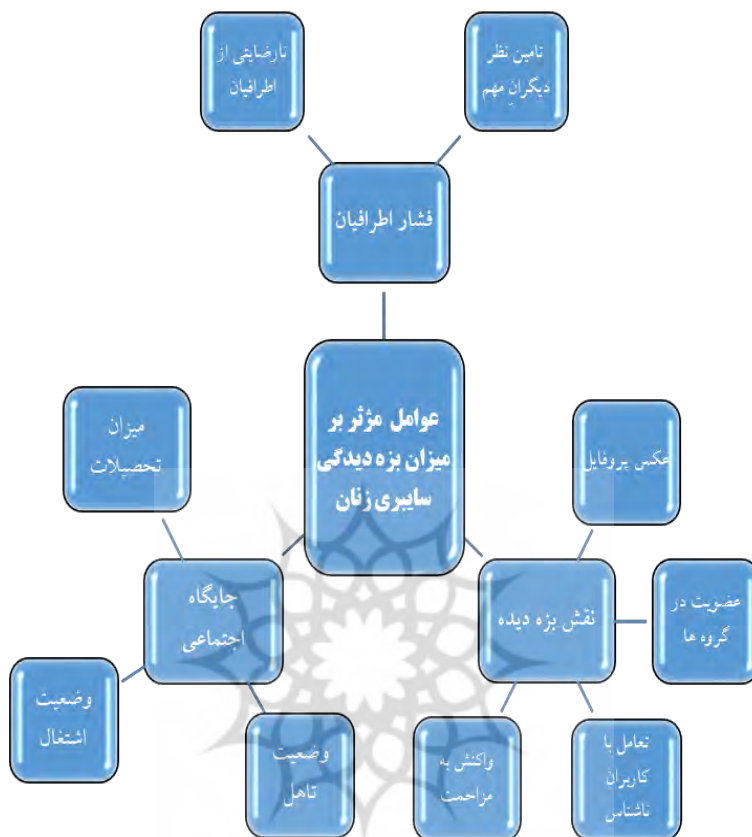
از میان ۱۲ کاربر جامعه‌ی آماری این تحقیق، تنها دو نفر، معادل ۱۷ درصد، شاغل بوده و یک نفر به یک شغل پاره وقت اشتغال داشته است. این بدان معناست که بیش از ۷۵ درصد از بزه‌دیدگان بیکار هستند و بیکار بودن بزه‌دیده، به مثابه‌ی یک عامل مهم در مقوله‌ی بزه‌دیدگی ایفای نقش می‌نماید.



نمودار ۳- تاثیر موقعیت اجتماعی بر بزه دیدگی

سنجش مؤلفه‌های برآمده از نظریات بزه‌دیدگی به وسیله‌ی مصاحبه‌ی آنلاین، مشاهده و آزمایش مجدد برخی برآیندهای حاصل از مصاحبه، نشان داد که مقوله‌ی «فشار اجتماع» یا فشار اطرافیان با دو زیر مقوله‌ی «تأثیر نارضایتی بزه‌دیده از اطرافیان» و «تأثیر دیگران مهم» با بزه-دیدگی ارتباط معناداری دارد. همچنین تأیید شد که مقوله‌ی اصلی «نقش کابرن زن» و زیر مقوله‌ی آن، یعنی «عکس پروفایل»، «عضویت در گروه‌های با محتواهای نامناسب»، «نحوه‌ی تعامل بزه‌دیده با درخواست‌های دوستی ناشناس» و «واکنش بزه‌دیده به رفتارهای مزاحم گونه» در میزان بزه‌دیدگی‌های مبتنی بر جنسیت زنان تأثیر دارد. علاوه بر این بررسی، تأثیر جایگاه اجتماعی زنان در میزان بزه‌دیدگی ایشان با بررسی سه زیر مقوله‌ی «وضعیت تأهل»، «وضعیت اشتغال» و «وضعیت تحصیلات» به خوبی آشکار ساخت که زنان با موقعیت اجتماعی پایین‌تر، بیشتر در معرض بزه‌دیدگی قرار دارند.





نمودار ۴: مقوله‌های اصلی و زیر مقوله‌های عوامل مؤثر بر بزه‌دیدگی زنان

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

شناسایی علل و عوامل بزه‌دیدگی زنان در شبکه‌های اجتماعی، گام نخست برای پیشگیری از بزه‌دیدگی زنان و همسو با فعالیت‌های حامیان حقوق زنان، مانع از غلبه‌ی مناسبات مردسالارانه و سرسپردگی جنسی زنان در فضای سایبر می‌شود. لذا در این تلاش، نه تنها بزه‌دیده زن به جهت هویت مؤنث خود سرزنش نمی‌شود، بلکه به «هوشیاری سایبری» دعوت می‌شود. با بررسی داده‌های به دست آمده از این پژوهش، ارتباط معنادار بین «فشار اجتماع بر کاربر»، «انتخاب‌های یک کاربر» و «شیوه‌ی تعاملات اجتماعی کاربر» با میزان بزه‌دیدگی وی آشکار شد و در خصوص «تأثیر جایگاه اجتماعی» معلوم شد که زنان با جایگاه اجتماعی پایین‌تر بیشتر در معرض بزه‌دیدگی قرار دارند.

در خصوص مؤلفه‌ی اول، یعنی تأثیر «فشار اطرافیان» بر بزه‌دیدگی، اثبات شد که ناراضایتی بزه‌دیده از اطرافیان خود، باعث انجام رفتارهای جسورانه و بی‌احتیاطی وی در شبکه‌های اجتماعی می‌شود و این موضوع احتمال بزه‌دیدگی کاربر را افزایش می‌دهد. آنگاه که این ناراضایتی در محتواها یا بیوگرافی شخص، در صفحه‌ی شخصی خود درج شود، احتمال بزهکاری علیه وی به صورت مضاعف افزوده می‌شود. علاوه بر این، فشار اجتماع می‌تواند از گذر تلاش کاربر برای تأمین نظر دیگران مهم در میزان بزه‌دیدگی مؤثر افتد؛ یافته‌های این تحقیق نشان داد که بیشتر بزه‌دیدگان در بارگذاری مطالب صفحه‌ی شخصی خود، بیش از هر چیز به نظر و سلیقه‌ی دوستان واقعی خود توجه دارند. مؤلفه‌ی دوم، یعنی «نقش کاربران» از قبیل انتخاب عکس‌های نامناسب با هنجارهای عرفی-قانونی جامعه‌ی ایرانی به عنوان عکس نمایه، عضویت در گروه‌های با محتواهای نامناسب از حیث اخلاقی و عدم استفاده از گزینه‌ها و امکانات امنیتی با بزه‌دیدگی ارتباط معناداری دارد و میزان بزه‌دیدگی کاربران را شدیداً بالا می‌برد. «شیوه‌ی تعاملات» بزه‌دیده در شبکه‌های اجتماعی، از جمله نحوه‌ی قبول درخواست‌های دوستی افراد ناشناس و شیوه‌ی واکنش به رفتارهای مزاحم گونه، مؤلفه‌ی دیگری است که میزان بزه‌دیدگی را متغیر می‌سازد. آنگاه که یک کاربر درخواست‌های دوستی افراد ناشناس را بدون تحقیق می‌پذیرد، بزهکار را به حریم خصوصی خود وارد می‌کند و زمینه‌ی بزه‌دیدگی خود را تسهیل می‌سازد. همچنین بزه‌دیده با پاسخ متقابل به مزاحمت‌های یک بزهکار احتمال بزه‌دیدگی مجدد خود را افزایش می‌دهد. در واقع هر رفتاری در واکنش به جرم، به جز گزارش بزه به پلیس یا درخواست مسدودسازی بزهکار از مدیران شبکه‌ی اجتماعی، رفتار غیر صحیح تلقی می‌شود که به بزه‌دیدگی مجدد کاربر می‌انجامد. همچنین در این تحقیق برخلاف آنچه در بادی امر به نظر می‌رسد، ثابت شد «جایگاه اجتماعی» کاربران زن با میزان بزه‌دیدگی آن‌ها رابطه‌ی معکوس دارد. این بدان معناست که زنان با جایگاه اجتماعی پایین‌تر، اعم از زنان مجرد و زنان بیکار، احتمال بزه دیدگی بیشتری نسبت به زنان متأهل و شاغل دارند.

به این ترتیب، برای کنترل جرم یا پیشگیری از آن، بیش از هر تدبیری باید به آگاهی بخشی و افزایش سواد دیجیتال کاربران و اطرافیان ایشان همت گماشت، پیش‌نیاز هر پاسخ یا اقدام پیشگیرانه در خصوص بزه در فضای سایبر و به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی، آگاهی این باور به کاربران فضای مجازی و والدین آن‌ها است که رفتارهای فضای مجازی بر زندگی واقعی آن‌ها و رفتارها و انتخاب‌های زندگی واقعی از قبیل دوستان و... بر بزه‌دیدگی مجازی آن‌ها مؤثر است. از این روی برای کنترل بزه‌دیدگی مجازی باید به زندگی واقعی، سلامت اخلاقی دوستان واقعی و تنظیم رفتارهای اطرافیان و ارتقای سطح رضایت افراد از اطرافیان و از زندگی توجه داشت. همچنین به جای انکار و نفی کامل فضای مجازی و سیاست پالایش‌سازی شبکه‌های اجتماعی، باید به تبیین مخاطرات شبکه‌های اجتماعی برای کاربران پرداخت و نقش خطیر کاربران را در رخداد بزه‌دیدگی به ایشان

تفہیم نموده و ضرورت استفاده و نحوه‌ی استفاده از ابزارهای امنیتی موجود در این شبکه‌ها را به کاربران، به عنوان یک راهبرد جامع آموزش داد؛ چرا که سیاست‌های سلبی کامل در فضای مجازی به جهت ویژگی‌ها و ساختار این محیط، عملاً امکان پیاده‌سازی ندارد و با فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی در اغلب موارد، کاربران جوان فضای مجازی به نصب فیلترشکن و ورود به فضای مجازی با استفاده از این ابزار اقدام می‌کنند. نصب فیلترشکن بر روی گوشی و رایانه‌های کاربران، آن‌ها را قادر می‌سازد که به فضاهای مجازی کاملاً خطرناک (مانند چت روم‌های اختصاصی برای مسائل جنسی و...) وارد شوند و خود را در معرض بزه‌دیدگی بیشتر قرار دهند. علاوه بر این، با فیلتر شدن شبکه‌های اجتماعی، کاربران شریف و والدینی که به هر جهت به نصب فیلترشکن اقدام نمی‌نمایند، از این محیط اخراج شده‌اند و با اخراج این افراد، بستر رفتارهای پر خطر کاربران جوان و نوجوان و متعاقب آن بزه‌دیدگی ایشان بیش از پیش فراهم می‌شود.

References

- Aalipour, Hasan (2011), Information Technology Penal Law, Tehran, Khorsandi Publishing, First Printing. (Persian)
- Abuzari, Mehrnoush (1395) Criminology of Cyber Crimes, Tehran, Publishing Mizan, First Printing. (Persian)
- Aameli, saeed reza (2011) cyberspace, Tehran, Publishing Tehran University, First Printing. (Persian)
- Bocij, P. (2003). Victims of cyberstalking: An exploratory study of harassment perpetrated via the Internet. First Monday. Retrieved on 28th June, 2010, from http://131.193.153.231/www/issues/issue8_10/
- BROADHURST, RODERIC AND JAYAWARDENA, KASUN (2011) Online Social Networking and Pedophilia: An Experimental Research "Sting" In: Cyber Criminology: Exploring Internet Crimes And Criminal Behavior, CRC Press.
- Citron, K. D. (2009). Cyber Civil Rights. Boston University Law Review. Vol. 89:61.
- Frith, Emily (2017) social media and children mental health: a review of the evidence, educational policy institute.
- darbandi Farahani, Elham (2012), The criminal approach to cybercrime, Master's Thesis for Criminal Law and Criminology, University of Moody.
- Haji deh abadi, mohammad ali, salami, ehsan (2016) Generalization of cybercrime, collection of articles international conference on: restorative justice & crime prevention, Tehran, publishing mizan. (Persian)
- Halder, D. And Jaishankar, K. (2010) Cyber Crime and Victimization of Women: Laws, Rights, and Regulations. Hershey, PA, USA: IGI Global.
- Herath, T, rao, H.r upadhyaya, s. (2012) internet crime: how vulnerable are you? Do gender social influence and education play a role in vulnerability? Psychology of cybercrime business science reference.

- Hindelang, M. J. Gottfredson, M. R. & Gaffalo, J. (1978). Victims of Personal Crime: An Empirical Foundation for a Theory of Personal Victimization. Cambridge, MA: Allinger.
- Holtfreter, k. M. D. reising, and T.C. Pratt (2008) law self -control, routine activities, and fraud victimization, *criminology and Criminal Justice*, 46, 1.
- Javan jafari, abdoreza, shahideh, farhad (2013) The Role of Women Victims of Sex Crimes, *Criminal Law Research*, vol.7. (Persian)
- Kafashi, majeid. Pirjalili, Zahra. (2015) Spending Leisure Time in Women in Virtual Space (Tehran, 1394) *Journal of Women and Society. Special Issue*, pp.105-122. (Persian)
- Karmen, A. (2007) *Crime Victims, an Introduction to Victimology*. Wadsworth Publishing.
- Kordealivand, ruhdien, mohammadi, Mehdi, mirzaee, mohammad (2017) The typology of cybercrime in computer crime law, The first national cybercrime combating conference, Tehran, cyber police press. (Persian)
- Langos, Colette (2013) *Cyberbullying, Associated Harm and the Criminal Law* (PhD Thesis, University of South Australia, 2013), 55-60.
- McFarlane, L. & Bocij, P. (2005). An exploration of predatory behaviour in cyberspace: Towards a typology of cyber stalkers. *First Monday*, 8. Retrieved from <http://firstmonday.org>
- McKim, J. (2006, July 12). Pimp pleads guilty to prostituting minor. Orange County Register. Retrieved from http://www.ocregister.com/ocregister/news/atoz/article_1209170.php
- McQuade, S. C. (2006). *Understanding and managing cybercrime*. Boston, MA: Pearson/Allyn and Bacon.
- Marcum, Catherine, D. (2011), "Adolescent Online Victimization and Constructs of Routine Activities Theory", In: Jaishankar, K. (Ed), *Cyber Criminology: Exploring Internet Crimes and Criminal Behavior*, CRC Press.
- Mitchell, K. Finkelhor, D. & Wolak. J. (2007). Youth internet users at risk for the more serious online sexual solicitations. *American Journal of Preventive Medicine*, 32.
- Mokhtari, Maryam & malek ahmadi, hakimeh, (2017) *Pornography and hyper-reality, Culture strategy*, vol.38. (Persian)
- Mustaine, E. And Tewksbury, R. (1998) *Predicting Risks of Larceny Theft Victimization: A Routine Activity Analysis Using Refined Lifestyle Measures*, *Criminology*, Vol. 36.
- SHICK CHOI, KYUNG (2011) *Cyber-Routine Activities: Empirical Examination of Online Lifestyle, Digital Guardians, and Computer-Crime Victimization*, *Cyber Criminology: Exploring Internet Crimes And Criminal Behavior*, CRC Press.
- Petrocelli, J. (2005). *Cyber Stalking*, *Law & Order*, Vol. 53, NO.12.
- Sadebeek, liave (2004). *Internet ethnography: online and offline*, *international journal of qualitative method*, vol,3, no.2

- Sanders, T. (2010). The sex industry, regulation and the internet. In Jewkes, Y. & Yar, M. (Eds.), Handbook of Internet crimes (pp. 302–319). Cullompton, UK: Willan.
- Van Wilsem, J. (2011) Worlds Tied Together? Online and Non-Domestic Routine Activities and Their Impact on Digital Threat Victimization, European Journal of Criminology, Sage.
- Williams, Matthew (2012), Virtual criminal: Crime, Deviation and Online Regulation, Translated by: Amir Hossein Jalali Farahani and Mahboubeh Monfared, Under the Supervision of Ali Hossein Najafi Ebrahbandadi, Tehran: Size, First Edition. (Persian)
- Willard, Nancy (2007), Cyberbullying and Cyberthreats: Responding to the Challenge of Online Social Aggression, Threats and Distress (Research Press, 2007),
- Yucedal, B. (2010) Victimization in Cyber Space: An Application of Routine Activity and Lifestyle Exposure Theories. Available In: https://etd.ohiolink.edu/rws_etd/document/get/kent1279290984/inline
- Zararkh, Ehsan, (2010) Cyber Victims, Journal of Legislation and Strategy, No. 64. (Persian)

